



بسمت نظامیان، رژیم شاه به مردم مسلمان و مبارز ایران (1357 ش)

پس از راهپیمایی‌های مکرر مردم علیه رژیم دیکتاتوری شاه، درگیری‌های وسیعی بین نظامیان و مردم به وقوع پیوست. در این حال، برخی از نظامیان که به حقانیت مبارزات مردم پی برده بودند، در پی فرمان امام خمینی (ره) پادگان‌ها را ترک کرده، به مردم پیوستند. پیوستن نظامیان به نیروهای مردمی، نویدبخش تحولات اساسی در روحیه و ساختار بدنه ارتش رژیم بود. در این راستا، حضرت امام نیز طی پیام‌های متعدد، ارتش را به پیوستن به مردم ترغیب و به آنها توصیه کردند که برای دفاع از اسلام و حفظ احکام رهایی بخش آن، به مردم بپیوندند و میهن خود را از دست اجانب نجات **تصویب طرح چاپ فرهنگ دهخدا در مجلس شورای ملی (1324 ش)** پایه لغت‌نامه دهخدا ظاهراً در دوران جنگ جهانی اول پیریزی گردید. تهیه مواد این لغت‌نامه در مدت چهل سال، عظیم‌ترین کاری بود که علامه دهخدا آن را به انجام رسانید. با این حال نخستین گام برای چاپ این اثر کم‌نظیر، با پیشنهاد وزیر دارایی وقت برداشته شد. چند سال بعد در بهمن 1314، قراردادی بین وزارت معارف و دهخدا به امضا رسید که براساس آن قرار بر این شد که این لغت‌نامه در نه جلد هفتصد صفحه‌ای طی پنج سال به چاپ برسد. در ادامه اقدامات عملی برای چاپ و نشر این اثر، در دی ماه 1324 طرحی از طرف حدود 25 نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی با قید دو فوریت تقدیم شد که در آن ضمن اشاره به تحمل زحمات فوق‌العاده و بذل عمر گرانمایه علی‌اکبر دهخدا در تالیف این دایرةالمعارف فارسی، از هیئت رئیسه مجلس خواسته شده بود اقدام لازم را به عمل آورد تا چاپخانه مجلس شورای ملی، به سرعت اقدام به چاپ دایرةالمعارف دهخدا بکند. در تبصره این ماده واحده آمده بود: "وزارت فرهنگ مکلف است افراد لازم در اختیار آقای دهخدا برای جمع‌آوری دایرةالمعارف ایشان بگذارد." دو فوریت فوق در جلسه 25 دی ماه 1324 ش به تصویب رسید. ده سال بعد و در اواخر عمر دهخدا، کلیه فیش‌ها، کتاب‌ها و لوازم کار به ساختمان بهارستان منتقل شد و دو سال پس از آن، لغت‌نامه و متعلقات آن به دانشگاه تهران واگذار گردید. لغت‌نامه دهخدا در چاپ جدید خود دارای 23911 صفحه و 71733 ستون در پانزده جلد متن و یک جلد مقدمه، دریایی از اطلاعات در چارچوب ادبیات فارسی را به اهل علم و خرد ارایه می‌دهد. **رحلت آیت الله "محمد علی حقی سرابی" از افاضل و مدرسین حوزه علمیه قم (1377 ش)** آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حقی سرابی در حدود سال 1307 ش (1348 ق) در بیت علم و تقوا در شهرستان سراب در آذربایجان شرقی به دنیا آمد. وی مقدمات علوم اسلامی و سطوح عالی را در تبریز و قم فراگرفت و سپس در نجف در درس آیات عظام سید محمود شاهرودی، سید محسن حکیم و سید ابوالقاسم خویی شرکت جست. آیت‌الله حقی پس از مدتی توقف در سراب، راهی قم گردید و در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات سید حسین بروجردي و امام خمینی حاضر شد و بهره‌های فراوان علمی کسب نمود. ایشان که از استادانی همچون سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی، سید ابوالقاسم خویی و سید محمد حجت کوه کمره‌ای اجازه اجتهاد داشت، در قم به تدریس و تألیف پرداخت و از آن پس، در یکی از مساجد معروف تهران، به فعالیت‌های دینی خود ادامه داد. آیت‌الله حقی که در جوار مسجد جامع امام حسین (ع) تهران، حوزه علمیه را بنیاد نهاده بود، در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب، خود و مسجدش را یکسره وقف پیشبرد اهداف نهضت اسلامی کرد و بسیاری از حرکت‌های ضد رژیم را رهبری می‌نمود. وی پس از پیروزی انقلاب به ریاست یکی از شعبه‌های دیوان عالی کشور، نمایندگی مجلس شورای اسلامی از سراب و خبرنگار رهبری از آذربایجان شرقی برگزیده شد و در خدمت نظام اسلامی بود. برخی از آثار این روحانی مجاهد شامل رساله فی العدالة، رساله فی إعجاز القرآن، شرح دعای افتتاح و تفسیر برخی سوره‌های قرآن در 4 جلد، می‌باشند. این عالم ربانی سرانجام در شب بیست‌وپنجم دی ماه 1377 ش برابر با 27 رمضان 1419 ق در هفتاد سالگی در قم به جوار دوست شتافت و در قبرستان شیخان این شهر به خاک سپرده شد. **مرگ "جورج برکلی" اسقف و فیلسوف ایرلندی (1753 م)** جورج برکلی فیلسوف مشهور ایرلندی در 12 مارس 1685 م در ایرلند به دنیا آمد و تحصیلات خود را در دوبلین، پایتخت این کشور به اتمام رساند. سپس به آمریکا رفت و در آنجا به تأسیس دانشگاه پنسیلوانیا کمک کرد. همچنین قصیده‌ای در ستایش آمریکا سرود و بدان سبب در کالیفرنیا شهر برکلی را به افتخار وی، به نام او بازخوانند و بعدها دانشگاهی نیز به نام او نام‌گذاری شد. برکلی پس از آن در ایرلند به عنوان کشیش و اسقف برگزیده شد و به تامل و تحقیق در فلسفه دین پرداخت. از این رو شهرت او عمدتاً به خاطر فلسفه دینی اوست نه اشعارش. برکلی معتقد بود فقط دو نوع وجود حقیقی وجود دارد: روح‌ها و تصورات. ارواح، ادراک‌کننده‌اند و تصورات، ادراک شده. به عبارت دیگر ارواح، فعال، متحرک و ایجادکننده تصوراتند در حالی که تصورات، جنبه انفعالی و غیر فعال دارند. برکلی با این مقدمات نتیجه می‌گرفت که ارواح افراد بشر دارای ظرفیت محدود هستند در حالی که خداوند، روح نامحدود و نامتعیین است. در نظام عقیدتی برکلی، همه چیز در همه احوال، بستگی به مشیت الهی دارد، بنابراین زنجیره‌های منظم و توانمند طبیعت برای هدایت انسان‌ها در امور زندگی ضرورت دارد. برکلی وجود درد یا آلام در جهان را برای رفاه و سعادت آدم، یک ضرورت واجب می‌داند. او بر این عقیده است که جامعیت ذهن به انسان امکان می‌دهد تا تأثیرات الهی را که در سراسر نظام طبیعت می‌درخشد، پذیرا گردد. وی در کتاب خود که به "اصول" معروف است به این نتیجه و درخواست می‌رسد که باید در مطالعات، منزلت اول را برای خداوند قائل شویم. او اعلام داشت که جهان واقعیت، جز در ذهن، وجود ندارد و تمام اشیای مادی، تنها وقتی وجود پیدا می‌کنند که ذهن آنها را تصور کند. برکلی گذشته از

فلسفه، به جغرافیا، باستان‌شناسی و اقتصاد علاقه داشت و در هر يك از این رشته‌ها، تبحر و استادی خویش را به ثبوت رسانیده بود. او مسافرت‌های زیادی انجام داد و در سیر و سیاحت به تدوین آثاری در فلسفه دست زد که نظریه رؤیت، مبادی علم انسان و آب قطران از آن جمله‌اند. جورج برکلی سرانجام در 14 ژانویه 1753م در 68 سالگی درگذشت.